



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2025.22071.2476

Interpretation of the Narration: “The Prophet’s (PBUH) Prohibition of Seeking Healing Through Hot Springs ...” Using Contextual Clues from Feghh al Hadith

Maryam Velayati Kababian^{1*}
Leila Abedi Turani²

Abstract

Based on traditional medicine experiences, sulfurous mineral waters have therapeutic properties and are beneficial for some diseases alongside other treatments. The therapeutic use of these waters has a history as old as human history; however, there is a narrative in Shia hadith sources that prohibits treatment with sulfurous hot springs and makes the audience hesitant about the benefits and harms of using these waters. The primary source of the narration is Maḥāsin Barqī, and it is also mentioned in Kāfi and Tahdhīb al-Aḥkām. The results indicated that the narration is authentic in terms of documentation; and its implication is general and refers to a real proposition; therefore, in a stable conflict with the findings of traditional and modern medicine, it is preferable. Also, based on the two pieces of evidence, “Similar Narrations” and “Titles of the Chapters of Hadith Books,” it can be said that the narration is in the position of prohibiting “Treatment” with sulfurous hot springs and does not express “Independent Healing.” The mentioned treatment is also absolute, and conditional probabilities such as prohibition of arbitrary treatment without medical supervision, prohibition of long duration of human stay in these waters, prohibition of non-treatment because its harm is more than its benefit, etc., are not acceptable. This interpretation of the narration expresses the scientific miracle of medical hadiths and shows that centuries ago, when humans were not aware of the benefits and harms of their affairs, the harms of improper use of some elements of nature were considered by the religious leaders of Islam.

Keywords

Evidence for Understanding Hadith, Medical Narratives, Finding the Meaning of Narratives, Narration of “Seeking Healing Through Hot Eyes ...”.

Article Type: Research

1. Responsible Author, Assistant Professor, Department of Hadith Sciences and Education, University of Quran and Hadith (Tehran Campus). Iran. Email: mvelayati7@gmail.com

2. Master’s Graduate in Quranic Sciences and Hadith, University of Quran and Hadith (Tehran Campus), Iran. Email: leilaabedi277@gmail.com

Received on: 15/05/2025 Accepted on: 15/07/2025

Copyright © 2026, Velayati Kababian & Abedi Turani

Publisher: Imam Khomeini International University.





مطالعات فقه حدیث

شماره پیاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره مجله: ۲۵۸۸-۴۴۱۷



DOI: 10.30479/mfh.2025.22071.2476

معنایابی روایت «نهی النبی (ع) عن الاستشفاء بالعیون الحارّة...» به کمک قرینه‌های فقه الحدیثی
مریم ولایتی کبابیان^۱
لیلا عابدی طورانی^۲

چکیده

بر اساس تجربیات طب سنتی، آب‌های معدنی گوگرددار، دارای خواص درمانی بوده و در کنار سایر درمان‌ها، برای برخی بیماری‌ها مفید هستند. استفاده درمانی از این آب‌ها، تاریخی به قدمت تاریخ بشر دارد؛ اما روایتی در منابع حدیثی شیعه وجود دارد که از درمان با چشمه‌های آبگرم گوگردی نهی می‌کند و مخاطب را در سود و زیان استفاده از این آب‌ها به تردید وامی‌دارد. مصدر اولیه روایت، محاسن برقی است و در کافی و تهذیب الاحکام نیز آمده است. پژوهش حاضر به این نتایج دست یافت: ۱. روایت به لحاظ سندی معتبر است؛ ۲. دلالت آن عام است و ناظر به یک قضیه حقیقیه می‌باشد؛ فلذا در تعارض مستقر با یافته‌های طب سنتی و مدرن، قابل ترجیح است. هم‌چنین با استناد به دو قرینه «روایات مشابه» و «عناوین ابواب کتاب‌های حدیثی» می‌توان گفت روایت در مقام نهی از «درمان» با چشمه‌های آب گرم گوگرددار است و بیانگر «شفاجویی استقلالی» نیست. درمان یادشده نیز مطلق بوده و احتمالات مشروطی چون نهی از معالجه خودسرانه و بدون نظارت پزشک، نهی از طولانی بودن زمان ماندگاری انسان در این آب‌ها، نهی از عدم درمان به این دلیل که ضررش بیش از منفعتش می‌باشد و... قابل پذیرش نمی‌باشد. برداشت این‌گونه از روایت، بیانگر اعجاز علمی احادیث پزشکی است و نشان می‌دهد سده‌ها قبل، آن هنگام که بشر به سود و زیان امور خویش آگاه نبود، مضرات استفاده نادرست از برخی عناصر طبیعت، توسط پیشوایان دینی اسلام مورد توجه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها

قرینه‌های فقه الحدیثی، روایات طبی، معنایابی روایات، روایت «الاستشفاء بالعیون الحارّة».

نوع مقاله: پژوهشی

۱. استادیار گروه علوم و معارف حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (پردیس تهران) (نویسنده مسئول).
mvelayati7@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (پردیس تهران).
leilaabedi277@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

روایات طبی از دیرباز مورد توجه مسلمانان و عالمان اسلامی بوده است. بیشتر ایشان، عرضه این‌گونه احادیث بر قواعد نقد و پالایش حدیث را امری ضروری می‌دانند؛ چون از یک‌سو با باورها و اعتقادات مردم گره خورده و از سوی دیگر چالش‌ها و پیچیدگی‌های فراوانی در این روایات به چشم می‌خورد؛ بنابراین تلاش برای فهم دقیق این دسته روایات با توجه به قواعد فقه‌الحدیث، امری لازم و ضروری است.

در میان عناصر طبیعت، آب مایه حیات و نشاط است و تنها ماده‌ای است که به هر سه حالت (جامد، مایع و گاز)، یافت می‌شود. در بحث زمین‌شناسی پزشکی^۱، آب‌های معدنی گرم^۲ همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. چشمه‌های آبگرم، چشمه‌هایی هستند که در طول سال، آبگرم یا داغ از آن‌ها می‌جوشد و دمای آن همواره بالاتر از دمای محیط پیرامونش است. این آب‌ها که حاوی غلظت متغیری از مواد معدنی هستند بر اساس استانداردهای مشخص، برای درمان مورد استفاده قرار می‌گیرند و همچنین اهمیت بسیاری در صنعت گردشگری در مناطق مربوطه دارند که این امر در کشور ما ایران نیز صادق است.

«آب درمانی»^۳ و استفاده از انواع چشمه‌های آب گرم (از جمله آبگرم گوگرددار) و تاکید بر خواص درمانی آن‌ها، همواره یکی از شیوه‌های توصیه شده و مورد تایید جامعه پزشکی اعم از طب سنتی^۴ و مدرن بوده است. در مقابل اهمیت یادشده، روایتی^۵ در مجامع حدیثی شیعه وجود دارد که به طور مطلق و بی هیچ قیدی، از درمان با آب‌های معدنی گوگرددار نهی می‌کند. آن‌چه در نگاه نخست، ایجاد خلل معنایی می‌کند؛ به این معنا که مخاطب را درباره سود یا زیان استفاده از آب‌های معدنی گوگرددار دچار تردید می‌سازد، نهی «مطلق» موجود در حدیث نبوی در خصوص درمان با آب‌های معدنی گوگرددار است که با کارکرد مثبت این آب‌ها در طب سنتی و مدرن ناهمگون به نظر می‌رسد. البته پزشکان و محققان هر دو عرصه، به حسب تجربه و در خصوص

1. Medical Geology.

2. Thermomineral Spring.

3. Hydrotherapy.

۴. منظور از طب سنتی، علمی است که به واسطه آن احوال بدن انسان از جهت سلامتی یا بیماری شناخته می‌شود، در حقیقت طب سنتی، بیانگر دیدگاه دانشمندان علم پزشکی کهن بر اساس مزاج‌های چهارگانه یونانیان و رومیان است که البته برخی طب اسلامی را با طب سنتی (ایرانی) معادل می‌دانند (فولادی‌وندا، درویشی، ۱۴۰۰ش، ۴۲-۴۳).

۵. در ادامه در بخش «تخریح روایت» به منابع نسخه‌های مختلف این روایت اشاره خواهد شد.

بیمارانی که از این مناطق به آن‌ها مراجعه کرده‌اند، دریافته‌اند که استفاده از چشمه‌های آبگرم به ویژه گوگرددار برای افراد با فشار خون بالا، ناراحتی‌های قلبی، نارسایی کلیه و دیابت، زخم‌های سرباز و کودکان، به دلیل جذب املاح از طریق پوست، آسیب‌رسان است و محیط این قبیل چشمه‌ها حتماً باید به لحاظ بهداشتی از هر نوع آلاینده مصون باشد در غیر این صورت ممکن است شخص از یک بیماری نجات یابد اما گرفتار بیماری مضرتر شود (ولایتی، ۱۳۸۳، ش، ۱۰۵-۱۰۶)؛ اما همان‌طور که اشاره شد، مشکل اصلی، نهی «مطلق» استفاده از این آب‌ها در حدیث نبوی است که می‌بایست برای رفع این مشکل، با اعمال قرینه‌ها تبیین درستی از روایت صورت بگیرد و مقصود اصلی آن مشخص گردد و تبیین شود که متعلق نهی چیست؟ درمان یا شفاجویی؟ برخی از محدثان کهن، هم‌چون شیخ صدوق، احتمال دوم را مطرح کرده‌اند؛ شفاجویی به این معنا که سفاراً مستقلاً از آب ببیند نه خداوند (شفاجویی استقلالی) و هم‌چنین به این مسئله پرداخته شود که احتمال‌های مختلفی که درباره روایت مطرح شده، قابل دفاع است یا خیر؟ به لحاظ تاریخی، مبحث آب درمانی در احادیث نبوی، مورد توجه نویسندگان آثار کهن نیز بوده است. روایات متعددی از پیامبر (ص) نقل شده که بیانگر خاصیت درمانی آب به طور مطلق یا آب‌های گرم است.^۱ با این همه بررسی روایات مربوط به آب‌های معدنی گوگرددار و نهی پیامبر (ص) از شفاجویی و درمان با این آب‌ها، علی‌رغم بحث‌ها، سوال‌ها و ابهامات متعددی که در سایت‌های اینترنتی وجود دارد، تا کنون مورد پژوهش مستقل قرار نگرفته و همین مسئله لزوم واکاوی آن را ضروری می‌سازد. گفتنی است این روایت تنها در منابع شیعه آمده و با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان با اطمینان اظهار کرد که در هیچ‌یک از کتاب‌های اهل سنت بیان نشده است.

۲. مفاهیم پژوهش

۱-۲. چشمه‌های آبگرم

چشمه‌های آبگرم منابع طبیعی، آب‌های زیرزمینی هستند که با دمای بالا و محتوای مواد معدنی زیادی از سطح زمین خارج می‌شوند. غلظت بالای مواد معدنی به دلیل برهم کنش آب با مواد معدنی و املاح و در نتیجه حلالیت بالا است. آب معدنی حاوی حداقل یک گرم مواد معدنی محلول (آنیون یا کاتیون) در هر لیتر است. چشمه‌های

۱. نمونه‌ها را بنگرید: طنطاوی، ۱۴۲۵ق، ۱۳: ۷۶؛ ابن‌قیم جوزیه، بی‌تا، ۲۲؛ سنده، ۱۴۲۸ق، ۹۶، ۲۰۸، ۲۶۶ که برخی از روایات با واژگان «العلاج بالماء» و تعبیر مشابه آمده است.

آبگرم در مناطقی با شرایط مورفولوژی^۱، تکتونیک^۲، ماگمایی و جوی مناسب بوجود می‌آیند که دمای آن‌ها در تمام طول سال از دمای محیط اطراف بیشتر است (حنیفه‌زاده، ۱۳۹۴ ش، ۶۶). در مناطق آتشفشانی، آب‌های زیرزمینی هنگام عبور از کنار لایه‌های مذاب، گرم می‌شوند و بخار تولید می‌کنند که آب را به عنوان چشمه‌های آبگرم به سطح می‌راند (غفوری، ۱۳۶۹ ش، ۲۵).

آبگرم موجود در برخی از این چشمه‌ها دارای خواص درمانی ناشی از آب درمانی با انرژی حرارتی هستند، علاوه بر این به علت داشتن مواد معدنی مفید با غلظتی بیشتر از ۷۰۰ میلی‌گرم در لیتر که شامل سولفات، کلسیم، بیکربنات، منیزیم، سدیم و ... می‌باشد، در درمان بسیاری از بیماری‌های مفصلی - عضلانی، پوستی و غیره تأثیر معجزه‌آسا و شگرفی دارند (غفوری، ۱۳۶۷ ش، ۲۲۶، بوسلیک و همکاران، ۱۳۹۱ ش، ۲). در پزشکی استفاده از آب جهت درمان احتمالاً قدمتی در حدود تاریخ بشریت دارد (Bender, 2004, 160). در سال‌های گذشته تحقیقات فراوانی در سراسر جهان در مورد درمان با آب‌های معدنی و چشمه‌های آبگرم انجام شده است. بر اساس نتایج حاصل این بررسی‌ها، آب‌های معدنی و چشمه‌های آبگرم در درمان بیماری‌های روماتیسمی کاربرد دارند (Fioravanti, 2010). مراحل درمان با آب‌های معدنی معمولاً همراه با درمان‌های دیگر از قبیل تمرین‌های فیزیکی، هیدروتراپی و گل‌درمانی است (Nasermoaddeli, 2005, 173). همه آب‌های معدنی گوگرددار نیستند؛ بلکه بر اساس ترکیب‌های شیمیایی موجود در آن‌ها، به انواع مختلفی تقسیم‌بندی می‌شوند مانند: آب‌های گوگردی یا سولفور، سولفات، بیکربنات، کلرور، آهن‌دار و آب‌های پرتوزا (میرحسینی، ۱۳۹۴ ش، ۱۱۲).

۲-۲. چشمه‌های آبگرم گوگرددار

وجود بوی گوگرد که دلیل رنگ شیری یا آبی این آب‌هاست و هیدورژن سولفور که دلیل بوی تخم مرغ مانند و طعم ترش و گاهی ایجاد فضای مه‌آلود و ابری برای این آب‌هاست، از ویژگی‌های چشمه‌های آبگرم گوگردی است (فیض‌بابایی، ۱۴۰۲ ش، ۲۰). یون‌های اصلی موجود در چشمه‌های آبگرم شامل کلسیم، سدیم، منیزیم، HCO_3 ، SO_4 و کلر هستند. علاوه بر این عناصری مانند آرسنیک، گوگرد، ترکیبات نیتروژن، سیلیس، بور، لیتیم، آهن و عناصر رادیو اکتیو و همچنین گاز رادون نیز ممکن است وجود داشته باشد. از گل‌های حاوی گوگرد برای درمان مشکلات پوستی مانند آگزما، جوش و خارش

1. Morphology.
2. Tectonics.

و همچنین بیماری های مو مانند کچلی استفاده می شود. گوگرد موجود در این گل ها به عنوان یک عامل مؤثر در درمان این بیماری ها شناخته می شود (Parcell, 2002). هم چنین برای درمان بیماری هایی مانند: رماتیسم^۱، لنفاتیسم^۲ و راشیتیسم^۳ مؤثر هستند. با این حال، باید به مضرات آن نیز توجه کرد؛ زیرا سولفید هیدروژن در غلظت های کم می تواند سردرد و تهوع ایجاد کند و در غلظت 1000 ppm باعث بیهوشی و در صورت عدم رسیدگی، سبب مرگ شود. این می تواند یکی از دلایل علمی باشد برای این سوال، که اولاً به تنهایی نمی توان با استفاده از آب درمانی توقع درمان داشت و ثانیاً مدت زمان تماس با این آب ها بسیار مهم است. همچنین، وجود اسیدسولفوریک می تواند آسیب های جدی به سلامت انسان وارد کند، از جمله: بیماری های عصبی، اختلالات خونی، آسیب های قلبی، تأثیر بر بینایی، مشکلات گوارشی و آنچه که مورد توجه بیشتر در مقاله حاضر است یعنی نارسایی تولید مثل یا ناباروری در مردان به دلیل در معرض گرمای شدید قرار گرفتن و عوامل دیگر (صدیقی گیلانی و همکاران، ۱۳۸۲ش، ۲۰۳-۲۰۵).

۲-۳. موقعیت جغرافیایی شبه جزیره عربستان

با توجه به موقعیت جغرافیایی شبه جزیره عربستان، این مسئله جای بررسی دارد که آیا مناطقی از شبه جزیره، دارای آب های معدنی و هم چنین چشمه های آب گرم گوگرددار بوده یا خیر و اصالتاً اعراب دغدغه مواجهه صحیح با این پدیده و چگونگی استفاده از آن را داشته اند یا خیر. در صورت تایید این مسئله، بخشی از صحت سنجی روایت، تحقق پیدا می کند؛ چرا که در علم حدیث، آشنایی مخاطب و آگاهی وی از مفاد روایت، یکی از اصول اولیه صدور حدیث و صحت آن است. البته این احتمال نیز وجود دارد که صدور روایت مورد نظر در پاسخ به فردی از ملیت دیگر صورت گرفته باشد که از راه دور برای سوالات خود به نزد پیامبر (ص) آمده نه این که لزوماً از مردم شبه جزیره عربستان باشد. با این همه کاوش در اطلاعات موجود نشان می دهد بخش هایی از شبه جزیره عربستان دارای چشمه های آبگرم گوگرددار است که از درون زمین می جوشد و از لابلای سنگ ها و صخره ها عبور می کند؛ برای نمونه گفته می شود بیابانی به نام «بادیه

1. Rheumatism.

۲. منظور بیماری های مربوط به غدد لنفاوی است.

۳. راشیتیسم یا نرمی استخوان یک بیماری شایع متابولیک استخوان بوده و عبارتست از کاهش عمومی و شدید در توده استخوانی که پوکی استخوان را به وجود می آورد و در آن عناصر تشکیل دهنده استخوان، از نظر کیفیت تغییر نمی کند؛ اما از لحاظ کمیت کاهش می یابد (تربتی، ۱۳۸۴ش، ۲۲).

الشام» در قسمت شمالی جزیره العرب واقع شده است. آب این بیابان اندک و سطحی است؛ ولی در بعضی از مناطق کوهستانی و پر پیچ و خم آن، چشمه‌های آب معدنی گوگرددار و گرم مانند آب گرم تدمر یافت می‌شود (قرچانلو، ۱۳۹۳ ش، ۱: ۲۳). در مجموع می‌توان گفت از متون علمی چنین برمی‌آید که عربستان چشمه آب گرم دارد و در گذشته نیز دارای چشمه‌های آب گرم بسیاری بوده، هرچند در طول زمان، هم‌چون سایر کشورها و مناطق، دچار تغییرات بسیاری شده است؛ برای نمونه گویند که در وادی امج، در گذشته هفتاد یا نود چاه بود که اکنون جز چند عدد از آن باقی نمانده است نیز گویند در مرطهران سیصد چاه بود که از آن هم جز انگشت شمار چیزی باقی نمانده است (سباعی، ۱۳۸۸ ش، ۴۸-۴۶).

۳. تخریح روایت «نهی از درمان با چشمه‌های آبگرم گوگرددار»

روایاتی که درمان یا شفاجویی با آب‌های گرم گوگرددار را به طور مطلق نهی می‌کند، منسوب به امام صادق (ع) و به نقل از پیامبر (ص) است، در واقع نهی، براساس بیان پیامبر (ص) است و امام راوی آن می‌باشد و چنان‌که گذشت، صرفاً در منابع شیعی آمده است. از این پس در مقاله حاضر، این روایت را با عنوان (روایت نهی) خواهیم شناخت. قدیمی‌ترین نقل روایات نهی در کتاب محاسن برقی آمده است^۱. برقی روایت مذکور را چنان‌که گذشت، ذیل «بَابُ الْمِيَاهِ الْمَنْهِيَّةِ عَنِ شُرْبِهَا» آورده است: «عَنْهُ عَنِ بَعْضِهِمْ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: نَهَى النَّبِيُّ (ص) عَنِ الْإِسْتِشْفَاءِ بِالْعَيْونِ الْحَارَّةِ الَّتِي تَكُونُ فِي الْجِبَالِ الَّتِي يَوْجَدُ مِنْهَا رَائِحَةُ الْكِبْرِيَّتِ فَإِنَّهَا مِنْ فَوْحِ جَهَنَّمَ». ایشان در همین باب، به روایت دیگری با همین سند^۲ اشاره دارد که به جای عبارت «العیون الحاره»، واژه «حمّات» در آن آمده است: «إِنَّ النَّبِيَّ ص نَهَى أَنْ يَسْتَشْفَى بِالْحَمَّاتِ الَّتِي تُوجَدُ فِي الْجِبَالِ» (برقی، ۱۳۷۱ ش، ۲: ۵۷۹-۵۸۰).

پس از کتاب محاسن، اشاره به این روایت را در کتاب کافی کلینی ذیل «بَابُ الْمِيَاهِ الْمَنْهِيَّةِ عَنْهَا» می‌بینیم. متن و سند روایت کافی چنین است: «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ الْإِسْتِشْفَاءِ بِالْحَمَّاتِ وَ هِيَ الْعَيْونُ الْحَارَّةُ الَّتِي تَكُونُ فِي الْجِبَالِ الَّتِي تُوجَدُ فِيهَا رَائِحَةُ

۱. مقالات متعددی وجود دارد که مصدر کهن روایت مورد ارزیابی ایشان محاسن برقی است و یا وضعیت رجالی مولف آن را مورد واکاوی قرار داده است و در مجموع می‌توان گفت این کتاب از اهمیت خاصی برخوردار است (نک: اعتبارسنجی عبارت «یروی عن الضعفاء» در شخصیت رجالی «احمدبن محمدبن خالد برقی» با تکیه بر کتاب «المحاسن») (عزیزی و محمدعلی نژادعمران، ۱۴۰۳ ش).

۲. البته سند روایت این‌گونه است که با توجه به سندهای دیگر، به نظر می‌رسد این سند دچار تصحیف شده باشد: «عَنْهُ عَنِ بَعْضِهِمْ عَنْ هَارُونَ بْنِ مَسْعَدَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ (ع)».

الْكِبْرِيَّتِ وَقِيلَ إِنَّهَا مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ» (کلینی، بی تا، ۶: ۳۸۹). این حدیث علاوه بر کتاب محاسن و کافی، در کتاب «تهذیب الأحکام» شیخ طوسی نیز ذیل «بَابُ الذَّبَائِحِ وَالْأَطْعَمَةِ وَمَا يَحِلُّ مِنْ ذَلِكَ وَمَا يَحْرُمُ مِنْهُ» با این سند و متن آمده است: «عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ الْإِسْتِشْفَاءِ بِالْحَمَمَاتِ وَهِيَ الْعَيُونُ الْحَارَّةُ الَّتِي تَكُونُ فِي الْجِبَالِ الَّتِي تُوجَدُ مِنْهَا رَائِحَةُ الْكِبْرِيَّتِ فَإِنَّهَا تَخْرُجُ مِنْ فَوْحِ جَهَنَّمَ» (طوسی، بی تا، ۹: ۱۰۱).

به نظر می‌رسد شیخ طوسی، سند و متن روایت را از کتاب اصول کافی اخذ کرده و لذا منظور وی از عنه در ابتدای سند، کلینی است. در کتاب من لایحضره الفقیه نیز ذیل «بَابُ الْمِيَاهِ وَطَهْرُهَا وَنَجَاسَتِهَا»، آن جا که شیخ صدوق روایت مرسلی را به نقل از ابوبصیر درباره شرایط آب وضو می‌آورد، در مقام توضیح و تبیین، به روایت مورد نظر نیز اشاره ای دارد: «وَأَمَّا مَاءُ الْحَمَمَاتِ فَإِنَّ النَّبِيَّ ص إِنَّمَا نَهَى أَنْ يَسْتَشْفَى بِهَا وَلَمْ يَنْهَ عَنِ التَّوَضُّؤِ بِهَا وَهِيَ الْمِيَاهُ الْحَارَّةُ الَّتِي تَكُونُ فِي الْجِبَالِ يَشْمُ مِنْهَا رَائِحَةُ الْكِبْرِيَّتِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۱۹).

در میان منابع متأخر، این روایت در کتاب الوافی فیض کاشانی ذیل عنوان «بَابُ الْمِيَاهِ الْمَنْهِيَّةِ عَنْهَا» آمده (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۲۰: ۵۸۹) و مرحوم فیض، به کتاب الکافی ارجاع می‌دهد. علامه مجلسی نیز در کتاب بحار الأنوار، ذیل باب «النَّهْيُ عَنِ الْإِسْتِشْفَاءِ بِالْمِيَاهِ الْحَارَّةِ الْكِبْرِيَّتِيَّةِ وَالْمُرَّةِ وَأَشْبَاهِهِمَا» به این حدیث اشاره کرده و آن را به نقل از محاسن آورده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸: ۳۱۵).

شیخ حرعاملی نیز در کتاب وسائل الشیعة، روایت مذکور را به نقل از کتاب کافی با همان الفاظ و عبارات ذیل باب «جَوَازُ الطَّهَارَةِ بِالْمِيَاهِ الْحَارَّةِ الَّتِي يَشْمُ مِنْهَا رَائِحَةُ الْكِبْرِيَّتِ وَكَرَاهَةُ الْإِسْتِشْفَاءِ بِهَا» ذکر کرده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۲۲۱). وی هم چنین ذیل همان باب به روایت دیگری از امام باقر (ع) با این مضمون اشاره می‌کند: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: أَمَّا مَاءُ الْحَمَمَاتِ فَإِنَّ النَّبِيَّ ص - إِنَّمَا نَهَى أَنْ يَسْتَشْفَى بِهَا وَلَمْ يَنْهَ عَنِ التَّوَضُّؤِ بِهَا قَالَ وَهِيَ الْمِيَاهُ الْحَارَّةُ الَّتِي تَكُونُ فِي الْجِبَالِ يَشْمُ مِنْهَا رَائِحَةُ الْكِبْرِيَّتِ». در روایتی که بلافاصله پس از این روایت آمده نیز این مطلب ذکر شده است: «قَالَ وَقَالَ ع إِنَّهَا مِنْ فَوْحِ جَهَنَّمَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۲۲۰).

این حدیث در کتاب هدایة الأمة إلى أحكام الأنمة عليهم السلام شیخ حرعاملی، ذیل باب «نهی عن الاستشفاء بالحمامات» نیز آمده است (همان، ۱۴۱۲ق، ۱: ۶۷).

۱. شاید بتوان گفت با توجه به واژه «قیل» که بر انتساب غیرقطعی دلالت دارد، این بخش از روایت از زبان معصوم (ع) نیست.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، نقل‌های محاسن، کافی و تهذیب الاحکام تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند. تفاوت‌ها بسیار اندک و در حدی است که احتمال نقل معنا می‌رود؛ برای نمونه در محاسن از واژه حَمَّات و حُمَّیات استفاده نشده؛ اما در نقل‌های کلینی و طوسی به ترتیب واژگان حَمَّیات و حَمَّات به چشم می‌خورد. در نقل کلینی به جای واژه فوح، از واژه فیح استفاده شده است. سایر تفاوت‌ها به واژگان توجده و فوح جهنم بازمی‌گردد که جزئیات آن در جدول زیر آمده است.

محاسن	نهی النبی (ص)	الاستِشْفَاءُ بِالْعُيُونِ الْحَارَّةِ	يُوجَدُ مِنْهَا	فَأَنَّهَا مِنْ فَوْحِ جَهَنَّمَ
کافی	نهی رسول الله (ص)	الاستِشْفَاءُ بِالْحُمَّيَاتِ وَ هِيَ الْعُيُونُ الْحَارَّةُ	تُوجَدُ فِيهَا	وَ قِيلَ إِنَّهَا مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ
تهذیب الاحکام	نهی رسول الله (ص)	الاستِشْفَاءُ بِالْحَمَّاتِ وَ هِيَ الْعُيُونُ الْحَارَّةُ	تُوجَدُ مِنْهَا	فَأَنَّهَا تَخْرُجُ مِنْ فَوْحِ جَهَنَّمَ

عبارات «نَهَى النَّبِيُّ (الرَّسُولُ) عَنِ الْإِسْتِشْفَاءِ» و «الْعُيُونُ الْحَارَّةُ الَّتِي تَكُونُ فِي الْجِبَالِ الَّتِي يُوجَدُ مِنْهَا رَائِحَةُ الْكِبْرِيتِ» در نقل‌های مختلف این حدیث، یکسان است؛ بنابراین می‌توان احتمال داد دچار نقل معنا نشده و این تکرار، میزان اعتماد به این بخش از حدیث را افزون می‌کند؛ البته در سایر عبارات حدیث نیز اختلاف چشم‌گیری قابل مشاهده نیست.

۴. نگاهی به سند و دلالت حدیث

۴-۱. بررسی سند روایت نهی

بررسی‌ها نشان می‌دهد برای حدیث نهی، تنها یک سند کامل در منابع حدیثی شیعه وجود دارد که سند کلینی است. سند محاسن نیز که نخستین منبع روایی حدیث می‌باشد، هم معلق است و هم منقطع. البته تعلیق سند، قابل رفع است و منظور از عنه در ابتدای آن، صاحب کتاب محاسن یعنی برقی است؛ اما در تبیین مصادیق «بعضهم» تردیدهایی وجود دارد که می‌تواند اعتبار سند را دچار خدشه کند. اکنون به ترتیب تاریخی منابع، سندهای روایت نهی را مورد بررسی قرار می‌دهیم: حلقه‌های سند کتاب محاسن عبارتند از:

عنه: ابتدای بیشتر روایات محاسن با ضمیر «عنه» آغاز شده که به طور معمول، مراد از آن خود مولف یعنی برقی (حدود ۲۰۰-۲۷۴ یا ۲۸۰) است. شاهد این ادعا نخستین روایت کتاب است که سند آن با احمد بن ابی عبدالله برقی آغاز شده و هم چنین در موارد اندکی نام «احمد» در ابتدای سند به چشم می خورد (برقی، ۱۳۷۱ ش، ۱: ۳، ۶۶).

برقی بیشترین احادیث را از پدر خود محمد بن خالد، نقل کرده و این فراوانی بر کل کتاب المحاسن حاکم است. وی محدث، مورخ و عالم رجالی شیعه در قرن سوم قمری و از یاران امام جواد (ع) و امام هادی (ع) و صاحب کتاب های المحاسن و الرجال است. او نزد اساتید بزرگ شیعه چون حماد بن عیسی، ابن ابی عمیر، محمد بن سنان به کسب علم پرداخته و شاگردانی چون ابراهیم بن هاشم، علی بن ابراهیم، محمد بن صفار را تربیت کرده است. بیشتر رجالیان شیعه مانند شیخ طوسی (بی تا، ۵۱)، نجاشی (۱۴۰۷ق، ۷۶)، حلی (۱۴۱۷ق، ۶۳) و ابن غضائری (۱۴۲۲ق، ۳۹) شخصیت وی را توثیق کرده اند و البته به دلیل روایت از ضعفا، در مقام نقل، او را ضعیف نیز شمرده اند (طوسی، ۱۳۷۳ ش، ۱: ۳۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۱۱۶؛ نجاشی، ۱۴۱۸ق، ۳۳۵).

اگرچه برقی بر ضعیفان اعتماد کرده و روایت آنان را نیز نقل نموده؛ اما ابن غضائری معتقد است که طعنه‌ی قمی‌ها مربوط به کسانی است که برقی از آن‌ها حدیث نقل کرده نه خود او (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۳۹). عبارت نجاشی «وَ كَانَ ثِقَةً فِي نَفْسِهِ، يَرَوِي عَنِ الضُّعَفَاءِ وَ اعْتَمَدَ المَراسِيلَ» از یک سو ناظر به جرح راوی از جنبه نقل و روایت و از سوی دیگر ناظر به تعدیل وی از جنبه شخصیت رجالی اوست که قابل جمع با یکدیگر است و آسیبی به وثاقت برقی نمی زند (معارف، ۱۳۸۷ ش، ۳۵۹).

بعضهم: مصادیق «بعضهم» در این سند روشن نیست؛ اما شاید بتوان از طریق جست و جوی نام «هارون بن مسلم» و عبارت «بعضهم» در اسانید محاسن، واسطه‌های نقل میان او و برقی را شناسایی نمود. با جست و جوی نام هارون بن مسلم در کتاب محاسن، به ۱۳ مورد برمی خوریم که ۹ تای آن فاقد واسطه نقل است؛ یعنی برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰) به طور مستقیم از هارون بن مسلم (م ۱۹۰) نقل می کند. در این گونه موارد با توجه به قرینه سال وفات نمی توان امکان نقل بی واسطه این دو راوی از یکدیگر را پذیرفت؛ بنابراین سند در این گونه دچار ارسال خفی است و نمی تواند مرجع خوبی برای شناسایی واسطه‌ها باشد (نک: برقی، ۱۳۷۱ ش، ۲: ۴۷۷، ۴۷۸، ۵۰۹، ۵۳۹، ۵۴۵، ۵۸۵، ۵۹۹).

۱. به این گونه تعارض‌ها در حوزه جرح و تعدیل، تعارض‌های صوری یا ظاهری گفته می شود که با یکدیگر قابل جمع هستند.

از ۴ سند باقی مانده، واسطه نقل در یک مورد، عبارت «عده من اصحابنا» است، ادامه سند نیز عیناً مطابق سند مورد بحث ماست (برقی، ۱۳۷۱ ش، ۱: ۷۲)؛ اما این سند هم برای شناسایی واسطه‌ها کارگشا نیست؛ چون با ارجاع به سندهای قبل مصادیق «عده من اصحابنا» قابل شناسایی نیست. در ۳ سند باقی مانده، واسطه‌های نقل مشخص است و نام افرادی چون ابن فضال و محمد بن علی بن یعقوب هاشمی به چشم می‌خورد (برقی، ۱۳۷۱ ش، ۲: ۳۰۵، ۳۹۲، ۳۹۵)؛ اما از آن‌جا که ادامه سند از هارون به بعد با سند مورد نظر ما کاملاً متفاوت است، نمی‌توان منظور از «بعضهم» در سند مورد نظر را احتمالاً یکی از این دو نفر دانست. عبارت «بعضهم» یا «بعض اصحابنا» را که مورد جست‌وجو قرار می‌دهیم، موارد بسیار متعدد به جای نام هارون بن مسلم بعد از عبارت بعضهم، هم چون حسن بن علی بن یوسف (برقی، ۱۳۷۱ ش، ۱: ۴۰، ۶۶، ۶۹)، علی بن اسباط (همان، ۱: ۲۲۹، ۲۲۷) و دیگران برمی‌خوریم که شناسایی واسطه‌ها از این طریق بسیار وقت‌گیر است و نیازمند جست‌وجوی دوباره نام این افراد در سندهای محاسن و تشخیص واسطه‌هاست که باز هم شاید به نتایج قطعی منجر نشود و نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر است. با توجه به آنچه گذشت باید گفت مصادیق «بعضهم» در این سند محاسن روشن نیست و راویان این بخش نامعلوم هستند و لذا سند مرسل و ضعیف است و قابل کشف با سایر طرق محاسن نیست؛ چون همان‌طور که گذشت، هیچ‌یک از اسانید مشابه را در بر نمی‌گیرد.

هارون بن مسلم بن سعدان کوفی، الْكَاتِبُ الشُّرَّ مَن رَأَى، ثِقَّةٌ وَجَهٌ، كَاتِبُ سَاكِنِ سَامِرَاءَ وَ از شخصیت‌های برجسته و قابل اعتماد امامی. امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) را ملاقات کرده و مسائل ابوالحسن الثالث را از امام هادی (ع) نقل کرده است (طوسی، ۱۳۷۳ ش، ۴۰۳؛ نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ۴۳۸). نجاشی در عین حال که هارون را ثقه دانسته، به انحراف عقیدتی وی نیز اشاره دارد و می‌گوید: «لَهُ مَذْهَبٌ فِي الْجَبْرِ وَ التَّشْبِيهِ» (نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ۴۳۸).

با توجه به رویکرد شیخ طوسی در خصوص عدالت راوی^۱، می‌توان بین انحراف عقیدتی و ثقه بودن (قابل اعتماد بودن) راوی جمع نمود. ابو محمد مسعده بن صدقه

۱. سه دیدگاه در خصوص عدالت راوی وجود دارد؛ دیدگاه نخست که منظور از عدالت در حوزه حدیث را عدالت فقهی می‌داند، دیدگاه دوم که حسن ظاهر را مطرح می‌کند و دیدگاه سوم (دیدگاه شیخ طوسی) که منظور از عدالت راوی را همان وثاقت در حوزه نقل یعنی قابل اعتماد بودن راوی معرفی می‌کند، هرچند وی فاسدالعقیده باشد (طوسی، ۱۴۱۷ ق، ۱: ۱۵۲).

عبدی^۱، از اصحاب امام صادق و امام کاظم (ع) و همچنین از راویان شیعه می باشد (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۱۴۶؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۱۵). از رجالیان متقدم، کسی وی را توثیق نکرده اما از میان معاصران، مولف کتاب مستدرکات علم رجال الحدیث وی را ثقه دانسته است (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق، ۷: ۴۰۴). ظاهراً وی نیز دچار فساد اعتقادی بوده؛ چون کسی او را از بتریه زیدیه می داند. ابن داود نیز به همین دلیل وی را در شمار ضعفا ذکر می کند و وعده می دهد که در بخش ضعفای کتاب خود از او یاد خواهد کرد^۲ (کشی، ۱۳۴۸ش، ۱: ۳۹۰؛ حلی، ۱۳۸۳ش، ۳۴۴). کتاب خطب امیرالمؤمنین و کتاب الحدیث از تالیفات اوست (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۱۵؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ۶: ۳۶۶). با توجه به اقوال رجالیان نمی توان این راوی را ثقه دانست.

با توجه به اسانید کافی و تهذیب، بررسی وضعیت ابراهیم بن هاشم و علی بن ابراهیم نیز ضروری است. ابراهیم بن هاشم، شاگرد یونس بن عبدالرحمن بوده و گفته شده امام رضا (ع) را نیز ملاقات کرده است. وی از مشایخ اجازة^۳ و کثیر الروایه است، به طوری که راویان بزرگ از وی روایت نقل کرده اند. ابراهیم بن هاشم با عبارت «أَوَّلُ مَنْ نَشَرَ حَدِيثَ الْكُوفِيِّينَ بِقَمِّ هُوَ» مورد مدح قرار گرفته؛ ولی توثیق صریح ندارد (طوسی، بی تا، ۱۲؛ نجاشی، ۱۴۱۸ق، ۱۶؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ۴)؛ از این رو، علامه مجلسی روایات او را حسن، اما در مرتبه صحیح می داند (مجلسی، ۱۴۱۵ق، ۱۶)؛ لکن جمعی از محققان مانند بحرالعلوم، محدث نوری و مامقانی بر اساس جمع آوری قرائن متعدد، وی را ثقه علی الاجماع^۴ دانسته اند و روایاتش را «صحیح» می دانند^۵. وی هم چنین از مشایخ برقی است و برقی از او بسیار روایت کرده است (خوئی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۲۰، ۲۲).

علی بن ابراهیم: از فقیهان و مفسران بزرگ امامیه در نیمه دوم قرن سوم و اوایل قرن چهارم می باشد. نجاشی او را شخصیتی مورد اطمینان در نقل روایات و دارای ایمانی ثابت و استوار معرفی کرده که مورد اعتماد و دارای عقیده مذهبی صحیح است (نجاشی،

۱. به نظر می رسد چهار راوی با عناوین مسعدة بن صدقه، مسعدة بن زیاد، مسعدة بن یسع و مسعدة بن فرج، یکی هستند (فرجامی، ۱۳۹۴ش، ۲۵۵).

۲. ابن داود در مدخل مسعدة، صرفاً به این مطلب اشاره می کند؛ اما در عمل در بخش ضعفا، نام وی دیده نمی شود.

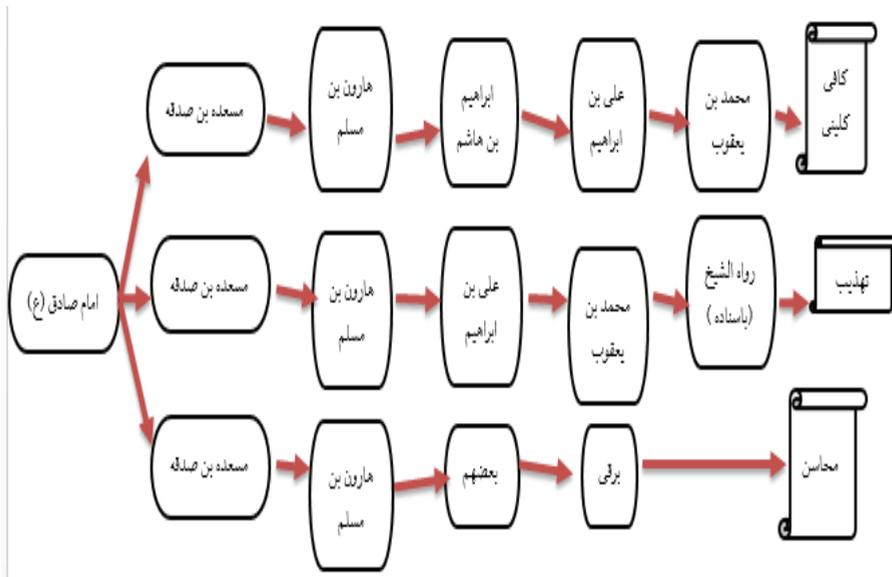
۳. شیخ اجازة یا مشایخ اجازة و یا مشیخه اجازة را به استاد یا استادانی که اجازة نقل روایات و کتاب های حدیثی را به دیگران می دادند گویند (مدیرشانهچی، ۱۳۸۱ش، ۱۹۸).

۴. ثقه واژه ای است در علم رجال، در واقع یکی از پرکار بدترین واژه ها در این علم است. نشان گر مورد اعتماد بودن راوی است. به بیان دیگر در وصف راوی مورد اعتماد به کار می برند (مرعی، ۱۴۱۷ق، ۸۳-۹۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۳۹۰).

۵. برای مشاهده قرائن و دلایل وثاقت علی بن ابراهیم و پدرشان ابراهیم بن هاشم، رجوع شود به مقاله مرویان حسینی و همکاران، ۱۴۰۱ش، ۶۹-۹۰.

۱۴۱۸ق، ۲۶۰؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۸). طبرسی او را از بزرگترین راویان شیعه می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۶ش، ۱: ۱۲۰) و در منابع رجالی و روایی شیعه، او را در شمار اصحاب امام هادی (ع) ثبت کرده‌اند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۳۹۰). هرچند علی بن ابراهیم در دوران امام حسن عسکری (ع) و نیز غیبت صغری زنده بوده است اما آیت‌الله خویی معتقد است که نبودن روایت مستقیم از امامان (ع) منافاتی ندارد با این‌که او در زمره اصحاب امام هادی (ع) باشد (موسوی خویی، ۱۴۰۹ق، ۱۲: ۲۰۸).^۱

با توجه به اطلاعات یاد شده و در مقام جمع‌بندی سندی، باید گفت سند روایت محاسن به جهت عبارت «بعضهم» و مشخص نبودن مصادیق آن مرسل به شمار می‌آید. هم‌چنین مسعده بن صدقه عبدی، فاقد توثیق صریح متقدمان است. در عین حال، سندهای کافی و تهذیب با توجه به این‌که از هارون بن مسلم به بعد، عیناً مطابق سند محاسن است، می‌تواند مجبر ضعف سندی آن باشد؛ چون ابراهیم بن هاشم ثقة علی‌الاجماع است و علی بن ابراهیم نیز توثیق صریح دارد و درباره او هیچ ذمی وارد نشده است؛ بنابراین با توجه به تجمیع اطلاعات در خصوص اسانید روایات نهی، می‌توان روایت را به لحاظ قواعد مصطلح الحدیث، صحیح دانست.



۱. مرویان حسینی و همکاران، ۱۴۰۱ش، ۶۹-۹۰.

۵. بررسی دلالت روایت نهی

در روایت نهی، برخی الفاظ از جمله الاستشفاء، حمیات و کبریت در شمار واژگان کلیدی است که می‌بایست به درستی تبیین گردد. اهل لغت برای ماده (ش ف ی) وقتی به باب استفعال می‌رود عموماً معانی «طلب الشفا» یا «نال الشفاء» را ذکر کرده‌اند؛ یعنی وقتی انسان شفا می‌گیرد یا شفا را طلب می‌کند. شفا نیز در زبان عربی، صرفاً به معنای رفع بیماری از جانب خداوند بدون نیاز به دارو نیست؛ بلکه به معنای مطلق درمان و رهایی از مرض است «وَهُوَ مَا يَبْرَأُ مِنَ السُّقْمِ»، چه درمان و رهایی از امراض به واسطه دارو و طیّ مراحل پزشکی باشد و چه در قالب شفایی که از جانب خداست و پس از آن هرگز بیماری عود نمی‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۶: ۲۹۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۳: ۱۹۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۴: ۴۳۶). البته همین ریشه وقتی به باب افعال می‌رود به طور خاص ناظر به شفا از طریق دارو است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۱۱: ۲۹۰).

واژه حَمّ از نگاه لغویان به معنای حرارت است (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق، ۱: ۴۴۵، ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۳) و نکته جالب توجه این‌که اهل لغت در مفرد این کلمه یعنی حَمّه، یک نوع بزرگی و عظمت دیده‌اند و بزرگی و شدت را قرین این واژه دانسته‌اند؛ به این معنا که حرارت موجود در چیزی که حرارتش عادی نیست؛ بلکه داغی شدید است (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق، ۱: ۴۴۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۲: ۱۵۳). آن را باقی مانده آن‌چه ذوب شده نیز می‌دانند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۳). برخی آن را «عَيْنٌ مَاءٍ حَارٍّ يَسْتَشْفَى بِهَا المَرَضِي» نیز دانسته‌اند (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق، ۱: ۴۴۵). با توجه به توضیحات یادشده، به نظر می‌رسد دقیق‌ترین معنا برای واژه حَمّات یا حُمّيات در این روایت، چشمه‌های آبگرمی است که آب آن‌ها بسیار داغ و سوزاننده باشد.

کلمه کبریت به زعم اهل لغت، یک واژه عربی نیست و برای آن معانی یاقوت احمر و آن‌چه به واسطه آن آتش افروخته می‌شود را ذکر کرده‌اند (ابن درید، ۱۹۸۸م، ۲: ۱۱۹۰). کبریت را به معنای چشمه جاری نیز دانسته‌اند که چون راکد شود، تبدیل به کبریت سفید، زرد یا تیره (اکدر) می‌شود (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۳: ۱۱۴). همچنین آن را طلای سرخ نیز نامیده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۲: ۷۶). ابن سینا نیز به خواص درمانی کبریت اشاره کرده است، مانند: شفاى جذام به جز زمانی که آتش به آن برسد، و از بین بردن آثار روی ناخن‌ها در ترکیب با صمغ و در صورت ترکیب با سرکه، بهق و تبخال را برطرف می‌کند... و با بخور، سردی را حفظ می‌کند. البته خواص دیگری هم دارد

۱. «أَشْفَيْتُ فَلَانًا، إِذَا وَهَبْتَ لَهُ شِفَاءً مِنَ الدَّوَاءِ».

که در کتاب‌های طب به آن‌ها اشاره شده است (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ۳: ۱۱۵). با توجه به مطالب یادشده درباره گوگرد و هم چنین وجود هوای ابرآلود با دود سفید بر فراز چشمه‌های آبگرم گوگردی و بوی تند و زننده آن در فضا که در بخش مفاهیم پژوهش هم به آن اشاره شد، شاید بتوان گفت بهترین ترجمه برای کبریت در روایت مورد نظر، گوگرد است که ظاهراً همان کبریت سفید بوده و بوی بسیار بدی دارد.

۶. معنایابی روایات نهی بر اساس قرائن فقه الحدیثی

با کمی تأمل می‌توان دریافت در مبحث مورد نظر، به طور مشخص دو قرینه فقه الحدیثی می‌تواند ابهامات حدیث نبوی را برطرف سازد؛ یکی «روایات مشابه» و دیگری «عناوین ابواب جوامع حدیثی». در ادامه در دو بخش جداگانه هر یک از قرائن یادشده را مورد تدقیق و بررسی قرار خواهیم داد.

۶-۱. قرینه «روایات مشابه»

با کمی دقت می‌توان دریافت روایات این موضوع متشکل از دو بخش «نهی مطلق» و «تعلیل نهی» است؛ روایات دسته نخست، چنان‌که گذشت، در مان با آب‌های معدنی گوگرددار را به طور مطلق و بی‌هیچ قیدی، منع نموده و روایات دسته دوم، دلیل آن را ملعون واقع شدن آب‌های گرم گوگرددار از سوی خداوند می‌داند. این روایات ۴ تاست که ۳ تای آن بسیار مشابه یکدیگر است و احتمال نقل معنا در آن‌ها وجود دارد و آخری، متنی متفاوت از ۳ روایت پیشین است. متن و سند هر ۴ روایت به قرار زیر است:

۱- «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنَّ نُوحًا لَمَّا كَانَ فِي أَيَّامِ الطُّوفَانِ دَعَا الْمِيَاءَ كُلَّهَا فَأَجَابَتْهُ إِلَّا مَاءَ الْكِبْرِيَّتِ وَ الْمَاءَ الْمُرَّ فَلَغَنَّهُمَا» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۲: ۶۵۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۲۰: ۵۹۰-۵۹۱).

۲- «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يُكْرَهُ أَنْ يَتَدَاوَى بِالْمَاءِ الْمُرِّ وَ بِمَاءِ الْكِبْرِيَّتِ، وَ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ نُوحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا كَانَ الطُّوفَانُ دَعَا الْمِيَاءَ، فَأَجَابَتْهُ كُلُّهَا إِلَّا الْمَاءَ الْمُرَّ وَ مَاءَ الْكِبْرِيَّتِ، فَدَعَا عَلَيْهِمَا وَ لَعَنَهُمَا» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۲: ۶۵۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۲۰: ۵۹۰-۵۹۱)، مرحوم فیض تصریح می‌کند که نقل وی از اصول کافی است.

۳- «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ نُوحًا لَمَّا كَانَ أَيَّامَ الطُّوفَانِ دَعَا مِيَاهَ الْأَرْضِ فَأَجَابَتْهُ إِلَّا الْمَاءَ الْمُرَّ وَ الْمَاءَ الْكَبِيرِيَّةَ» (صدوق، ۱۳۶۲ش، ۱: ۵۲).

۴- «عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ دِينَارُ بْنُ عَقِيصَةَ التَّمِيمِي قَالَ: مَرَرْتُ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع وَ هُمَا فِي الْفُرَاتِ مُسْتَنْقِعِينَ فِي إِزَارِهِمَا فَقَالَا إِنَّ لِلْمَاءِ سَكَانًا كَسَكَانِ الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَا أَيْنَ تَذْهَبُ فَقُلْتُ إِلَى هَذَا الْمَاءِ قَالَا وَمَا هَذَا الْمَاءُ قُلْتُ مَاءٌ يَشْرَبُ فِي هَذَا الْحَيْرِ يَخْفُ لَهُ الْجَسَدُ وَ يَخْرُجُ الْحَرَّ وَ يَسْهَلُ الْبَطْنَ هَذَا الْمَاءُ لَهُ سِرٌّ فَقَالَا مَا نَحْسَبُ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ فِي شَيْءٍ مِمَّا قَدْ لَعَنَهُ شِفَاءً فَقُلْتُ وَ لِمَ ذَلِكَ فَقَالَا إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا آسَفَهُ قَوْمُ نُوحٍ فَفَتَحَ السَّمَاءَ بِمَاءٍ مِنْهُمْ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ فَاسْتَعْصَمَتْ عَلَيْهِ عِيُونٌَ مِنْهَا فَلَعَنَهَا فَجَعَلَهَا مِلْحًا أُجْجًا» (برقی، ۱۳۷۱ش، ۲: ۵۷۹).

طبق رویکرد وثوق صدوری^۱، این دسته از روایات از اعتبار نسبی و لازم برخوردار است و لذا می تواند به عنوان قرینه برای فهم روایت مورد نظر به کار گرفته شود؛ چون در سند آن ها مشکل جدی وجود ندارد، متن آن ها فاقد معارض است و با آیات قرآن و روایات معتبر ناسازگاری ندارد و هم چنین از منبع معتبری برخوردار است. با توجه به موارد یادشده به نظر می رسد روایات تعلیل نهی، نقش مهمی در تبیین مسئله و نحوه پاسخ گویی به آن دارد؛ چون دلیل نهی استفاده از این آبها را اجابت نکردن فرمان حضرت نوح در جریان طوفان و سپس ملعون دانستن آن ها می داند. کار به همین جا ختم نمی شود؛ بلکه عباراتی در متن روایات به چشم می خورد که در عمل نیز کراهت استفاده از آن ها را توسط معصومین (ع) نشان می دهد؛ برای نمونه تعبیری چون «يَكْرَهُ أَنْ يَتَدَاوَى بِالْمَاءِ الْمُرِّ وَ بِمَاءِ الْكَبِيرِيَّةِ» و «مَا نَحْسَبُ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ فِي شَيْءٍ مِمَّا قَدْ لَعَنَهُ شِفَاءً» از سوی معصوم نشان می دهد، به هیچ عنوان از این آبها برای درمان استفاده نمی کرده اند.

۱. وثوق صدوری در مقابل وثوق سندی، به رویکردی اطلاق می شود که تجمیع قرائنی است به این معنا که در آن، به سند روایت به عنوان تنها قرینه موجود، اکتفا نمی شود بلکه به متن و منبع حدیث نیز توجه می شود و با توجه به همه قرائن نسبت به اعتبار روایت حکم می شود.

۲. گفتنی است در تفاسیر شیعه، به احادیث متعددی اشاره شده که برخی پدیده های طبیعی را به طوفان نوح پیوند داده و به نظر می رسد یک ژانر و گونه قابل توجهی است که می بایست در پژوهش مستقل دیگری به آن پرداخته شود. نمونه احادیث را بنگرید در: عیاشی، ۱۳۸۰ش، ۲: ۳۴۱؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۶۱؛ تفسیر منسوب به امام حسن عسگری (ع)، ۱۴۰۹ق، ۴۳۲؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ۷۳؛ ثقفی، ۱۳۹۵ش، ۲: ۸۴۶ و

۶-۲. قرینه «نام‌گذاری عناوین ابواب»

توجه به عناوین ابوابِ جوامع حدیثی، بسیار قابل تأمل بوده و نظر دقیق و کارشناسانه ایشان را نشان می‌دهد و می‌تواند پاسخ‌گوی روشنی برای روایات نهی باشد. چنان‌که گذشت، کاربست روایات یادشده در جوامع حدیثی کهن و متأخر شیعه ذیل باب‌های متعدد، با بار معنایی نسبتاً یکسان دیده می‌شود که تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند و همگی به نوعی ناظر به مفهوم نهی هستند. این نشان می‌دهد در فهم روایات مذکور، میان محدثان اختلاف‌نظر چندانی وجود نداشته و تفنن نسبی عناوین و حتی شاید بتوان گفت توسعه‌گستره نهی، که از نوشیدن آغاز شده و به طهارت و نجاست منتهی می‌شود، به روایات نهی از استسفا ارتباطی ندارد و نشئت گرفته از ترتیب‌بندی مرسوم فقهی است. در جدول ذیل به ترتیب تاریخی، نحوه یادکرد از روایات در منابع روایی را ذیل ابواب مختلف حدیثی با یکدیگر مرور می‌کنیم.

محاسن برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰)	باب المیاء المنهی عن شربها
کافی کلینی ^۱ (م ۳۲۹)	بَابُ الْمِیَاءِ الْمَنْهَی عَنْهَا
الفقیه شیخ صدوق (م ۳۸۱)	بَابُ الْمِیَاءِ وَ طُهْرَهَا وَ نَجَاسَتِهَا
تهذیب الاحکام طوسی (م ۴۶۰)	بَابُ الذَّبَائِحِ وَ الْأَطْعَمَةِ وَ مَا یَجِلُّ مِنْ ذَلِكَ وَ مَا یَحْرُمُ مِنْهُ
الوافی فیض کاشانی (م ۱۰۹۱)	باب المیاء المنهی عنها
وسائل الشیعه حرعاملی (م ۱۱۰۴)	جَزَاوِزُ الطَّهَارَةِ بِالْمِیَاءِ الْحَارَّةِ الَّتِی یَشْمُ مِنْهَا رَیْحَةُ الْكِبْرِیْتِ وَ كَرَاهَةُ الْإِسْتِشْفَاءِ بِهَا
بحارالانوار مجلسی (م ۱۱۱۰)	النهی عن الاستشفاء بالمیاء الحارة الكبریتية و المرة و أشباههما

۷. معنای مقصود روایت

در پژوهش‌های حدیثی، اولین دغدغه پژوهشگر، بررسی صدور حدیث و سپس جهت صدور آنست. صدور حدیث به این معنا که روایت به ظن معتبر یا عرفی، آیا از معصوم صادر شده و منبع روایی متقدم دارد یا خیر که پیشتر نشان داده شد، روایت مورد نظر واقعاً حدیث است و از معصوم صادر شده و در منابع معتبر نیز آمده است. جهت صدور

۱. یکی از مقالات قابل توجه در خصوص نحوه تدوین و تبویب کافی عبارتست از: اثرپذیری کلینی از پیشینیان در تدوین و تبویب اصول کافی (موردپژوهی؛ کتاب «عقل و جهل»، «ایمان و کفر» و «حجت») (ستار و همکاران، ۱۴۰۱ش).

نیز به این معنا که آیا حدیث قضیه حقیقه است و دلالت عام دارد یا قضیه خارجی است و به افراد یا شرایط خاصی نظر دارد. با توجه به وضعیت فعلی حدیث، نمی‌توان خارجیه بودن آن را اثبات کرد چون برای این کار به قرینه سبب صدور نیاز است تا نشان دهد روایت خاص است و منظور پیامبر (ص) چشمه خاصی در مکان خاصی یا برای افراد خاصی بوده است. در حالی که چنین قرینه‌ای وجود ندارد، فلذا باید حدیث را حقیقه دانست و برای فهم مقصود آن تلاش نمود.

چنان‌که در بخش بیان مسئله گذشت، تلاش برای فهم این نکته که منظور پیامبر (ص)، نهی از درمان بوده یا نهی از شفاجویی مسئله اصلی نوشتار حاضر است. با توجه به شواهدی که ارائه شد احتمال دوم یعنی نهی از شفاجویی استقلالی که برای نخستین بار توسط شیخ صدوق بیان شده و پس از ایشان نیز تعدادی از شارحان حدیث هم چون علامه مجلسی و مرحوم غفاری (صدوق، ۱۳۶۷ش، ۱: ۳۹-۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۶۶: ۴۸۱؛ غفاری، ۱۳۶۷ش، ۱: ۳۹-۴۰) به آن اشاره کرده‌اند، صحیح به نظر نمی‌رسد.

این افراد معتقدند پیامبر (ص)، به عنوان رسول خدا و کسی که دارای ارتباط مستقیم با خداوند است، درصدد اصلاح اندیشه توحیدی مردم بوده و همواره توصیه می‌کردند که مردم برای شفا و رفع مشکلات خود کورکورانه و ساده‌لوحانه به بت‌ها، درختان، حیوانات یا چشمه‌های آب گرم گوگرددار و نیز هر منبع شفای دیگری رجوع نکنند و توقع معجزه و شفای مطلق نداشته باشند تا این مسئله رفته‌رفته به یک باور عمومی نادرست در میان آن‌ها تبدیل نشود؛ بلکه به خدا متوسل شده و از او درخواست کنند و منشأ اثر اصلی را فقط او بدانند. از نظر نگارنده این ادعا قابل دفاع نیست و نمی‌توان به آن استناد نمود. بلی، اگر به شیوه انسان‌شناسی^۱ و به طور مشخص انسان‌شناسی دعا و اعتقاد، بتوان تعامل اعراب مسلمان با اقوام و آیین‌های دیگر از جمله اقوام ایرانی و غیره را مورد واکاوی دقیق قرار داد و بر اساس شواهد روشن و قطعی، به این نتیجه رسید که در خصوص آب‌های گرم گوگرددار چنین اندیشه‌ای در میان ایرانیان باستان و... وجود داشته که این آب‌ها نگرهبانی شفابخش داشته‌اند^۲ و روایت مذکور سعی در اصلاح و زدودن این اندیشه شرک‌آلود داشته، این احتمال یعنی نهی از شفابخشی استقلالی، می‌تواند به لحاظ تاریخی دارای شاهد بوده و معتبر باشد؛ اما چنین شواهدی وجود ندارد یا دست کم در مقاله حاضر قابل دست‌یابی نیست و لذا نمی‌توان از یک تفکر عام نسبت به

1. Anthropology.

۲. برای آگاهی بیشتر در این موضوعات بنگرید مقالات «ایزد رشن و جایگاه او در دین زرتشتی»؛ بررسی آیین‌های اساطیری «داوری ایزدی» در ایران باستان.

شفاخواهی استقلالی از هر عنصری در طبیعت آن هم در آیین‌هایی بسیار دورتر از صدر اسلام سخن گفت و آن را به اسلام نیز ربط داد در حالی که مشخصاً ارتباطی با روایت مذکور ندارد و اگر این احتمال پذیرفته شود، روایت خاصیت و پیام خاص خود را از دست خواهد داد.

با توجه به قرائن فقه الحدیثی یادشده در طول مقاله از جمله «روایات مشابه» و «عناوین ابواب کتاب‌های حدیثی»، می‌توان نتیجه گرفت مقصود اصلی پیامبر (ص) نهی از «درمان» با آب‌های گرم گوگرددار بوده و نهی یادشده نیز «مطلق» است و نه «مشروط»؛ بنابراین نمی‌توان این احتمالات را مطرح کرد که منظور از نهی، نهی از معالجه خودسرانه با چشمه‌های آبگرم بدون تجویز متخصص است (غفاری، ۱۳۶۷ش، ۱: ۳۹-۴۰) و یا نهی مربوط به عنصر زمان^۱ است و یا روایت می‌خواهد بگوید در مجموع ضرر استفاده از آب‌های معدنی گوگرددار از منفعتش بیشتر است و عوارض آن بعداً مشخص خواهد شد.^۲

در مجموع می‌توان گفت با توجه به عوارض استنشاق بوی گوگرد در اطراف چشمه‌های آبگرم و گاز سمی هیدروژن سولفور، از جمله تنگ شدن راه‌های تنفسی، آسم، اسپاسم برونش‌ها، سرفه شدید، تشدید عوارض قلبی و عروقی و تنفسی، تاثیرات

۱. به این معنا که نهی موجود در حدیث ناظر به طولانی بودن ماندگاری انسان در چشمه‌های آبگرم است؛ چون مطابق دست‌آورد‌های روز پزشکی، استفاده طولانی مدت از آب داغ و یا ماندن طولانی در محیط بسیار گرم هم‌چون سونا و ...، سبب عقیم شدن انسان می‌شود. گرما فعالیت اسپرماتوزن را مختل نموده و تعداد اسپرم و درصد اسپرم‌های متحرک و اشکال طبیعی اسپرم را کاهش می‌دهد و نهایتاً سبب ناباروری می‌گردد (Oliva, 2002, 8: 16; Shosei Yoshida, 2022, Communications Biology)؛ امینیان و همکاران، ۱۳۸۲ش، ۲۰۹).

۲. به این معنا که روایت درصدد نفی خاصیت درمانی چشمه‌های آبگرم نیست و نمی‌خواهد بگوید این آب‌ها فاقد هرگونه مواد مفید برای بدن است؛ بلکه مقصود اصلی روایت اینست که با این آب‌ها درمان نکنید و احتمالاً نهی مورد نظر به این دلیل باشد که در مجموع ضرر آن از منفعتش بیشتر است و عوارض آن بعداً مشخص خواهد شد، چنان‌که خداوند در قرآن کریم نیز حین حرام نمودن شراب (البقره: ۲۱۹) فرموده است شاید شراب برای بدن مفید باشد، اما ضرر آن بیشتر است و این موضوع در آینده به اثبات خواهد رسید. البته توجه به برخی باورهای اساطیری در دوران باستان، می‌تواند بیانگر انگاره مضر بودن آب‌های گرم گوگرددار در میان اقوام پیشین باشد. اقوام باورمند به مسئله «داوری ایزدی» معتقد بودند، چنان‌چه فرد متهم در آتش یا آب گوگرد دارد انداخته شود و آسیب نبیند، بی‌گناه است. در روزگاران کهن که دستگاه‌های قانونی برای کشف حقیقت وجود نداشت، مردم ایران باستان برای اثبات گنهکار بودن یا بی‌گناهی افراد به آزمون‌های دشوار طبیعت متوسل می‌شدند و متهم را در معرض آن‌ها قرار می‌دادند، چنان‌چه آسیب نمی‌دید، وی را بی‌گناه و اگر آسیب می‌دید، گنهکار می‌دانستند. با ظهور عقاید مزدیسنی این باورها رنگ دینی به خود گرفت و مقامی دوچندان یافت. از معمول‌ترین این داوری‌ها می‌توان به آتش، فلز گداخته و آب آمیخته با گوگرد و زرنیخ نام برد (زاویه، ۱۳۹۲ش، بخش ادبیات تحقیق و تعریف مفاهیم و نتیجه‌گیری).

روانی و گوارشی، سفت شدن ماهیچه‌های ریه بر اثر استنشاق یا سفتی ماهیچه‌های گوارشی در اثر بلع و ... هم‌چنین غلظت بالای برخی مواد معدنی موجود در این آب‌ها که سبب نفوذ مواد سمی آن‌ها به بدن انسان و بروز مسمومیت‌های خاصی می‌شود، احتمالات «مشروط» قابل پذیرش نیست. اشاره به بو و نسیم جهنم در روایت نیز احتمالاً به همین دلایل است. هم‌چنین توجه به دلالت معنایی واژه (حمّه) که در بخش مربوط به فهم مفردات نیز گذشت، می‌تواند این یافته‌ها را تقویت کند؛ چون حمّات یا حمیات ناظر به آب‌هایی است که بسیار داغ است یعنی داغی آن‌ها بیش از حد معمول و متعارف باشد که قاعدتاً طبق آنچه گفته شد، می‌تواند برای انسان بسیار آسیب‌زا باشد. تشبیه حرارت این‌گونه آب‌ها به حرارت جهنم نیز که با عبارت «مِن فِیْحٍ / فَوْحٍ جَهَنَّمَ» در حدیث به آن اشاره شده با همین بیان قابل توجیه است؛ به این صورت که روایت منشأ حرارت چشمه‌های آبگرم را نسیم جهنم نمی‌داند؛ بلکه درصدد است داغی بیش از حد آن را با تشبیه به حرارت جهنم برای مخاطب ملموس‌تر سازد (صدوق، ۱۳۶۷ش، ۱: ۴۰).

۸. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، نتایج زیر قابل بیان است:

۱- روایت محاسن قدیمی‌ترین مصدر روایات نهی است و ضعف سندی آن با توجه به اسانید دو روایت دیگر که در الکافی و تهذیب الاحکام آمده، قابل رفع می‌باشد؛ بنابراین روایت به لحاظ سندی، صحیح و معتبر است. به لحاظ دلالتی نیز، روایت ناظر به یک قضیه حقیقیه با دلالت عام و مطلق است و با استناد به دو قرینه «روایات مشابه» و «عناوین ابواب کتاب‌های حدیثی» می‌توان گفت از «درمان مطلق» با چشمه‌های آب گرم گوگرددار نهی می‌کند و بیانگر «شفاجویی استقلالی» نیست.

۲- از آن‌جا که دلالت روایت، مطلق است و دلیلی بر مشروط بودن آن وجود ندارد، در تعارض با خواص درمانی مثبت چشمه‌های آبگرم گوگرددار در طب سنتی و مدرن که دلیل قاطعی برای آن وجود ندارد، روایت ترجیح داده می‌شود و احتمالات مشروط درباره آن از جمله این‌که منظور از نهی، نهی از معالجه خودسرانه و بدون نظارت پزشک است، یا نهی موجود ناظر به طولانی بودن زمان ماندگاری انسان در این آب‌ها و خطراتی است که برای وی به دنبال دارد یا حدیث یادشده خواص درمانی چشمه‌های آبگرم را نفی نمی‌کند؛ اما به درمان با آن‌ها نیز توصیه نمی‌کند چون احتمالاً ضرر استفاده از

آن‌ها بیش از خواص درمانی‌شان است، توجهی نمی‌شود؛ بنابراین روایت می‌تواند در شمار احادیث پزشکی باشد.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های تولیدشده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منفعی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- قرآن کریم.
- آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۴۰۸ق.
- ابن اثیر، مجدالدین، النهایه، محقق: طاهر احمدالزوی، محمود محمد الطناحی، بیروت، مکتبه العلمیه، ۱۳۹۹ق.
- ابن درید، محمدبن حسن، جمهره اللغة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۸م.
- ابن غضائری، احمدبن حسین، رجال ابن غضائری، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- ابن فارس، احمدبن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق/ مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن قیم جوزیه، محمدبن ابی بکر، الطب النبوی، محقق: عبدالخالق عبدالغنی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- ازهری، محمدبن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- امینیان، امید، فائزه دهقان، و محمدعلی صدیقی گیلانی. "بررسی تعداد زیادی از مشاغل مردان دارای اختلال ایدوپاتییک اسپرم در مراجعین به مرکز ناباروری رویان در سال ۸۱-۷۸". تولید مثل و ناباروری ۴، ۱۵ (۱۳۸۲ش): ۲۰۳-۲۱۲.
- برقی، احمدبن محمد، محاسن، محقق: جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ش.
- بوسلیک، زهرا، نصراله کلاتتری، محمدرضا کشاورزی، وزینب احمدنژاد. "هیدروژنوشیمی و اثرات زیست محیطی چشمه‌های آبگرم گوگردی دالکی". زمین شناسی محیط زیست ۶، ۱۹ (۱۳۹۱ش): ۱-۱۶.
- ترتبی، علی. "پوکی و نرمی استخوان و راشیتیس". کتاب ماه علوم و فنون ۸، ۸۸ (۱۳۸۴ش): ۲۱-۲۵.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ش.
- حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
- حرعاملی، محمدبن حسن، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۲ق.
- حسن بن علی، التفسیر المنسوب بامام حسن العسکری، قم، مدرسة الإمام المهدي (ع)، ۱۴۰۹ق.
- حلی، ابن داود، الرجال، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، مصحح: جواد قیومی، بی جا، الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ق.

حنیفه‌زاده، شاهین، محمدعلی قربانی، و حسین جباری خامنه‌ای. "بررسی و تعیین روند تغییرات پارامترهای کمی و کیفی چشمه‌های آب گرم معدنی شهر توریستی سرعین با استفاده از آزمون ناپارامتری مان-کندال".

جغرافیا و توسعه ۱۳، ۴۱ (۱۳۹۴ش): ۶۵-۸۶. doi: 10.22111/gdij.2015.2229

خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم، مرکز آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.

زاویه، سعید، و آمنه مافی تبار. "بررسی آیین های اساطیری «داوری ایزدی» در ایران باستان". ادبیات

عرفانی و اسطوره‌شناختی ۹، ۳۰ (۱۳۹۲ش): ۶۶-۸۶. doi: 20.1001.1.20084420.1392.9.30.4.2

زبیدی، محمدبن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق/ مصحح: شیر، علی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

سباعی، احمد، تاریخ مکه (از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه)، تهران، مشعر، ۱۳۸۸ش.

ستار، حسین، سیدمحمد موسوی، و سیدامیرالیا سوسوی. "اثرپذیری کلینی از پیشینیان در تدوین و تبویب اصول الکافی (موردپژوهی؛ کتاب «عقل و جهل»، «ایمان و کفر» و «حجت»)". مطالعات

فهم حدیث ۸، ۱۶ (۱۴۰۱ش): ۹-۳۱. doi: 10.30479/mfh.2022.2581

سنده، عبدالله، موسوعه الطب النبوی، الاسلامی - العربی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۸ق.

طنطاوی، طنطاوی بن جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، تحقیق: محمدعبدالسلام شاهین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵ق.

شریف‌پور، مریم، و ملیکا کردلوئی. "اعتبارسنجی روایات پزشکی". قرآن و طب ۷، ۴ (۱۴۰۱ش): ۳۴-۴۳.

صدوق، محمدبن علی، ترجمه من لا یحضره الفقیه، محقق/ مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۶۷ش.

صدوق، محمدبن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق/ مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.

صدیقی گیلانی، محمدعلی، امید امینیان، و فائزه دهقان. "بررسی فراوانی تماس شغلی مردان دارای اختلال ایدئوپاتیک اسپرم در مراجعین به مرکز ناباروری رویان در سال‌های ۸۱-۷۸".

journal of Reproduction & Infertility ۳ (۱۳۸۲ش): ۲۰۳-۲۱۲.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.

طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح و تنظیم: محمد مفتاح، تهران، فراهانی، ۱۳۷۶ش.

طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق: سیداحمد حسینی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ش.

طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۲ش.

طوسی، محمدبن حسن، الابواب، قم، اسلامی، ۱۴۱۵ق.

طوسی، محمدبن حسن، العده فی اصول الفقه، تحقیق: محمدرضا انصاری قمی، قم، محقق، ۱۴۱۷ق.

طوسی، محمدبن حسن، الفهرست، محقق: جواد قیومی اصفهانی، قم، فقاها، ۱۴۱۷ق.

طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب العلمیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.

طوسی، محمدبن حسن، رجال طوسی، قم، اسلامی، ۱۳۷۳ش.

عزیزی، ربابه، و روح الله محمدعلی نژادعمران. "اعتبارسنجی عبارت «یروی عن الضعفاء» در شخصیت رجالی «احمدبن محمد بن خالد برقی» با تکیه بر کتاب «المحاسن»". مطالعات فهم حدیث ۱۱،

۲۱ (۱۴۰۳ش): ۷۹-۱۰۴. doi: 10.30479/mfh.2024.20234.2364

عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المطبوعه العلمیه، ۱۳۸۰ش.

غفوری، محمدرضا، چشمه‌های معدنی ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ش.

فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

فرجامی، اعظم، زبیده و حدیث امامیه، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۴ش.

فوری، محمدرضا؛ مرتضوی، رضا، آب‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ش.

- فولادی‌وندا، محمد، وزینب درویشی. "جستاری در طب اسلامی یا طب سنتی؛ با تاکید بر دیدگاه استاد علامه مصباح یزدی". قرآن و طب ۶، ۳ (۱۴۰۰ش): ۴۰-۴۷.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، القاموس المحیط، تحقیق: دفتر تحقیقات میراث در بنیاد الرساله، به سرپرستی محمدنعیم، بیروت، موسسه الرساله، چاپ هشتم، ۱۴۲۶ق.
- فیض کاشانی، محمدمحسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۶ق.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ش.
- قرچانلو، حسین، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، ۱۳۹۳ش.
- قرشی، علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، قم، نوید اسلام، ۱۳۹۱ش.
- قمی، علی‌بن‌ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- کاشانی، فتح‌الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، چاپخانه محمدحسن علمی، ۱۳۳۳ش.
- کلینسی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، محقق/مصحح: علی‌اکبرغفاری و محمد آخوندی، تهران، الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، محقق/ مصحح: دارالحدیث، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
- کشی، محمدبن‌عمر، رجال الکشی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
- مجلسی، محمدباقر، الوجیزه فی الرجال، تصحیح/تحقیق: محمدکاظم رحمان‌ستایش، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۰ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، مؤسسه وفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- مجلسی، محمدباقر، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم، کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
- مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط-ط القدیمة)، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- مدیرشانه‌چی، کاظم، علم الحدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱ش.
- مرعی، حسین‌عبدالله، منتهی المقال فی الدرایه و الرجال، بیروت، موسسه العروه الوثقی، ۱۴۱۷ق.
- مرویان حسینی، سید محمود، سیدعلی دلبری، و حسین امینی. تحلیل سندی و دلالتی روایت رضوی «شِیعَتُنَا الْمُسَلِّمُونَ لِأَمْرِنَا» درباره ویژگی‌های شیعه". آموزه‌های حدیثی ۶، ۱۲ (۱۴۰۱ش): ۶۹-۹۰.
- doi: 10.30513/hd.2023.4908.1189**
- معارف، مجید، شناخت حدیث؛ مبانی فهم متن - اصول نقد سند، تهران، نیا، ۱۳۸۷ش.
- میرحسینی، سیدمحمد، زهرا عابدپور، فاضل شاکری. "قابلیت‌های زمین‌گردشگری (ژئوتوریسم) چشمه‌های آبگرم و معدنی ایران". جغرافیای طبیعی ۸، ۲۸ (۱۳۹۴ش): ۱۰۱-۱۱۶.
- نجاشی، احمدبن‌علی، رجال النجاشی، محقق: آیت‌الله سیدموسی شبیری‌زنجانی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- نجاشی، احمدبن‌علی، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
- ولایتی، سعدالله، جغرافیای آب‌ها، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۳ش.

Parcell, S, *Sulfur in human nutrition and applications in medicine*, Altern Med Rev, 2002.

Nasermoaddeli A., Kagamimori S, *Balneotherapy in Medicine: A Review. Environmental Health and Preventive Medicine*, 2005.

Fioravanti, A., Cantarini, L., Guidelli, G.M., Galeazzi, M.; *Mechanisms of action of spa therapies in rheumatic diseases: what scientific evidence is there? Rheumatology Unit. Department of Clinical Medicine and Immunology, University of Siena, Viale Bracci 1, 53100 Siena, Italy*, 2010.

- Bender, T., Karagulle, Z., Balint, G. Hydrotherapy, *balneotherapy, and spa treatment in pain management*. Environ mental Health and Preventive Medicine, 2004.
- Oliva A., Spira A., Mutigner L. *Contribution of environmental factors to the risk of male infertility*. Hum Reprod. 2001; 16(8):1768-1776
- Hirano, K., Nonami, Y., Nakamura, ..., Yoshida, S. *Temperature sensitivity of DNA double-strand break repair underpins heat-induced meiotic failure in mouse spermatogenesis*. Communications Biology 5, 504 (2022).